

۱۴۹

۴۹/۱

۱۶۷۵۱

مجله	جهان دانش
تاریخ نشر	فروردین ماه ۱۳۳۹
شماره	۱
شماره مسلسل	
محل نشر	کرمان - مدرسه معصومیه
زبان	فارسی
نویسنده	محمد رضا مدنی کرمانی
تعداد صفحات	۱۴ - (۹۷ - ۱۱۰)
موضوع	قرآن و تفسیر آن
سرفصلها	
کیفیت	
ملاحظات	

بقلم حجت الاسلام سید محمد شاه مدنی کرمانی

قرآن و تهمة تحریف آن

از دیرزمانی سخنی بسست و کلامی نادرست در معارف دینیة الحاق گردیده و آن تهمة تحریف است بقرآن کریم و حال آنکه با ابهام عامیانه که در معنای واژه تحریف است این گفته نذاز مصدر سالمی مشتق و نه باصل صحیح متکئی و مستند است

معدودی از شیعه اخباری، و برخی از حشور سنی و ملاحده اسماعیلی و خلاصه باستان چند حدیث مجعول یا ضعیف نسبت تحریف بقرآن مجید داده اند و حال آنکه هر گاه کسی بر مصادر این اخبار بنگردد یا بوجه اعجاز قرآن پی برد یا معرفت بچیستی قرآن داشته باشد ممکن نیست بدین راه اشتباه برود و حجت بالغه الهیه را ناقص پنداشته از اعتبار بیندازد.

جه پوز علماء سنی، و فقهاء عظیم الشان شیعه بر آنند که چیزی بر قرآن افزوده نکرده و دست بردی هم بر آن نشده است، قرآن موجود همان قرآن مجعوع عصر پیغمبر است که از آن زمان مرجع مسلمانان جهان و حجت قاطعه بین آنان بوده از کیم و زیاد محفوظ و از عیب و نقصی

میراست.

اما بحث در اطراف تحریف ورد با قبول آن از طریق منطوق و دلیل نخست معروف است بر شرح و توضیح معنای تحریف؛ زیرا تحریف هم شامل تغییر لفظ می‌باشد، بزبادت، نقصان، تحریک، تسکین، نقل، ابدال، حذف، اضممار، اعجام، افعال؛ و هم شامل تغییر معنی می‌باشد؛ بتأویل خارج از مدلول؛ و تعبیر خارج از موضوع.

وقتی که معنی و مراد از تحریف روشن و مشخص گردید باید اسناد و مدارک آنرا دید؛ بصحمت و سقم آنرا؛ به میزان درست سنجید، آنگاه، بمعارضات عقلی و نقلی آن توجه نمود؛ البته ادایه مطلب بطور شایسته در خود تالیفی مبسوط و مستقل است و در این مقاله جز با اشاره آنهم باختصار کنجایش ندارد.

مراد از تحریف قرآن هر گاه آن باشد که آیاتی بر قرآن افزوده شده و در نظم و سیاق قرآن درآمده است این گفته منتهی می‌شود به فی‌تحدی وانکار اعجاز قرآن و آن مستلزم تکذیب خداست زیرا آیات و سوره‌ها آنهم با هیئت و صورتی که در نظم و ترکیب خاص دارند و صف تکلم و عین کلام حق تعالی می‌باشد، که بصدق نبوت به عنوان اعجاز بر زبان پیغمبر جاری گردیده و خداوند بکلام خود تحدی نموده و فرموده است (چنانچه چنانچه و انس هم آهنگ شوند تا همانند این قرآن را بیاورند - نتوانند) و باز خطاب بجهانیان کرده می‌فرماید (هر گاه یارای ایمان چون يك - سوره بسان قرآن دارید بیاورید و هرگز نتوانید چنان نمایند) *

چون قول بنی‌ماده می‌رسد با نفاق تحدی و انکار اعجاز و تکذیب خداوند از این روی احدی از علماء دین اسلام چنین گفته‌اند کفر آمیزی تازه نموده

قابل نشده اند .

و چنانچه مقصود از تحریف نقصان قرآن باشد باین ادعا که آیات یا کلمات یا سوزی از قرآن مجید کم گردیده و مورد دستبرد دشمنان واقع شده است این قول هم نادر و ابی دلیل و مردود است و بالنتیجه مستلزم نقص حجت و نقض غرض و حکمت و اغراضی که می باشد و ساحت قدس کبریائی حق جل و علا از آن مبرا است .

تردیدی نیست حکیمی که بملطف عهیم خلقی را بیافزاید بیوده و مهمل نگزارد و مسئول و مکلف قرار داده است و البته لطف وی ایجاب میکند تا پیوسته حجتی شایسته در بین مکلفین بگمارد که راه خیر و شر را بنمایاند و بدیهی است این حجت باید کامل و رسا و نمایان باشد چه اگر ناقص باشد نتواند نقض دیگران را بر طرف کند و چنانچه نارسا باشد مردم در نقطه ایهام و حیرت سرگردان مانده بانقض و نارسائی حجت اتمام حجت بر مکلفین نگردیده مسئولیت متوجه نخواهند شد و این خود نقض غرض و حکمت است و حق تعالی خود فرموده است .

« قُلْ فَلِلَّهِ الْحُجَّةُ الْبَالِغَةُ » یعنی خدا را است حجت رسا و روشن و باز

فرموده است .

« اِنَّ اللّٰهَ بِالْمُنْتَهٰى اَمْرِهِ خَدّٰوْنَدٌ خُوْدٌ رَسّٰنَدَهٗ اَمْرٌ خُوْيَشٌ اَسْتٌ نَا كَسِي

بَعْدُ نَقْصٌ يَّا نَارِسَائِي اَمْرٌ اَلِهِي مَعْدُوْرٌ نِيْاَشْدٌ وَ جَزَائِي هُر كَرْدَهٗ يِر وَ فِق مَصْلَحَتٌ وَ دَاد بَاشْد .

قرآن بوعده و کده حق از هر گونه دستبندی مصون و بمعنای غیبیه

محفوظ است که می فرماید .

«انا نحن نزلنا الذکر وانا له لحافظون»

تاکیدات عدیده بلیغیه در این آیه شریفه میرساند که قرآن کریم پیوسته در ضمان حق و در کنف حمایت باری تعالی از هر گونه دستبردی محفوظ و از هر گونه تغییر و تبدیلی مصون خواهد ماند و کسی در حریم اعجاز آن تصرفی نخواهد کرد .

و باز در باره قرآن میفرماید (لَا يَأْتِيهِ الْبَاطِلُ مِنْ بَيْنِ يَدَيْهِ وَلَا مِنْ خَلْفِهِ) یعنی فساد و تباهی و نقصان و کاهش از هیچ سوی راه بقرآن پیدا نخواهد کرد .
منطق این آیه شریفه صراحت دارد بر اینکه اطراف آیات قرآنیه در حصار حق بوده و از هیچ جهت باطل نمی تواند در آن رخنه پیدا نماید و ممکن نیست این حرز شکسته شود؛ و هر گونه دخل و تصرفی را خداوند متعال از آن نفی فرموده است.

آیات دیگر و اخبار و احادیث بسیار و خطب و کتبی از ائمه دین در دست است، که قرآن را تام و تمام دانسته و نسبت تحریف را رواندا نسته و در این مقاله جای تفصیل نیست

بنابر روایات مستقیقه و تواریخ معتبره و اقوال علماء دین قرآن کریم بهمین نظم و ترتیب موجود در زمان پیغمبر مجموع و منظم گردیده و بسیاری از صحابه آنرا حفظ داشته بایکدیگر مذاکره نموده آنرا درس و تعلیم میدادند و بارها تمام قرآن را نزد پیغمبر ختم می نمودند

قرآن در زمان نزول وحی بامر و اجازه پیغمبر نویسنده گان بسیاری داشت و کتاب وحی انحصار بعدة مشهور نداشت جامعین قرآن نیز در عهد پیغمبر متعدد بودند و منحصر بچهار نفر معروف نبودند که انس روایت

نموده است و با توجه به همین نکته بوده که ابو عثمان مازنی روایت انس را که چهار نفر را معرفی کرده تضعیف نموده است برای اینکه قرآن مایه سعادت مسلمین و کلام معجز نظام حق تعالی شانه و آیت عظمای صدق نبوت بوده هر آیه که از مصدر جلال حق صا در و بر پیغمبر و سیله جبرئیل القاء و پیغمبر بآن زبان میگذرد با يك احترام عجیب فوق التصور آنرا تلقی نموده اهتمام تام و جهد بلیغ در باره ضبط و جمع و نشر آن داشته‌اند چنانچه در حیات پیغمبر در جنگ بئر معونه هفتاد نفر قاری قرآن شهادت دادند و در جنگ یمامه که آنهم کمی بعد از حیات آنحضرت اتفاق افتاد حداقل بنصاب مزبور از قرآن قتل رسیدند، این خود دلیل روشنی است بر اینکه قرآن در دسترس عموم بوده و در رقید انحصار نبوده است و در کتب تاریخی مندرج است که در زمان زمامداری عمر در ممالک دور و نزدیک مسلمین بالغ بر یکصد هزار قرآن استنساخ گردیده و منتشر بوده است.

در کتب نامه و خاصه احادیث و اخباری است حاکی از جمع قرآن بعد از حیات پیغمبر نخست بدست امیرالمؤمنین و سپس در عهد ابی بکر و بار دیگر زمان عثمان.

مضمون اخبار نامبرده معارض اخبار جمع قرآن در عهد پیغمبر نیست و مضامین آنها را نفی نمیکند بلکه مقصود از این جمع تجدید کتابت و تکثیر نسخ قرآن بود، هر وقتی بمنظوری خاص و بمصلحتی معین اما اقدام ابی بکر بر جمع قرآن از این جهت بود که در جنگ بئر معونه و یمامه بیش از یکصد و چهل نفر قاری و حافظ قرآن کشته شده بودند و بیم آن میرفت در يك پیش آمد ناگوار دیگری تمام قرآن کشته

||

||

۱۰۲ - قرآن و تهمت تحریف

شو ندو نسبت بقرآن زیانی وارد آید این بود بشور عمر قراء را طلبید و زید بن ثابت را که تمام قرآن را در سال وفات پیغمبر بر انجناب قرائت و ختم نموده بر پیغمبر تقریر و امضاء فرموده بود مأمور جمع و استتساخ قرآن ساختن چنانچه از باب حدیث و تاریخ متهم مرض و محدث خیبر حافظ حاکم نیشابوری در کتاب مستدرک بر روایت بخاری متذکر شده است .

اماد زمان عثمان اختلافاتی در کیفیت قرائت قرآن بین اهل نواحی و بلدان پیدا شده بود و بیم آن داشت که اختلاف در کیفیت قرائت سرایت بکمیت و نظم و اسلوب اساس قرآن نماید، از این جهت دستور باحضار زید، عبدالله زبیر، سعید بن عاص، عبدالرحمن بن حارث داده آنگاه امر نمود قرآن را که نزد حفصه دختر عمر بود و سایر نسخه های قرآن را تا آنجا که ممکن بود جمع آوری نمودند چون قرآن ببلغت قریش عزت زول یافته بود با مر وی چند نسخه قرآن بلسان قریش و طبق قرائت آنها نوشتند و باطراف فرستادند و دستور داد از روی هر نسخه نسخه های متعدد استتساخ نمایند و سایر نسخه های قرآن را که بلیجه و قرائتهای مختلف بود سوخت و نابود نمود .

اما قرآنیکه امیر المؤمنین با مر پیغمبر هنگام رحلت آنجناب جمع و مدون ساخت و بر قوم عرضه داشت و با مخالفت شدید روبرو گردید تا آنجا که فرمود از این پس آنرا نخواهید دید و نزدائمه دین بودیعت و میراث ماند البته آن قرآن با قرآن موجود در کمیت آیات و سوز فرقی نداشت و آنچه مغایرت و تفاوت داشت در اسلوب کتابت و شرح و تفسیر بود در این مقام چنانچه کسی اشتباه کند یا القاء شبه نماید بر اینکه

سالنامه جهان و دانش ۱۰۳

قرآن علی باقر آن نزد مردم هر گاه تفاوت و مغایرتی نداشت چگونه پس از ارائه مخالفت نمودند، که ناچار آنرا مخفی داشت و نزد اولاد معصومین خود گذاشت.

جواب از این شبهه این است که آیات قرآن کریم از نظر شأن نزول موردی خاص و از نظر عموم لفظ متعلقی عام دارند و در هر عصر و زمانی شامل احوال اشخاص میگردد باعتبار اوصاف و اعمال باین توضیح که هر گاه آیتی از آیات کریمه بمقتضای وصف یا عملی در باره اشخاصی معلوم، نزول یافته تا روز قیامت هر کس بآن وصف و عمل متصف شود مشمول معنای آن از مدح یا قدح خواهد گردید.

باتوجه باین مقدمه چون امیر المؤمنین آشتابری موز و اسرار قرآن بود و موارد خصوصی شأن نزول آیات را میداد است آنچه را که درباره مؤمنین و منافقین و سر نوشت آنان نازل شده بود توضیح داده تعیین مصداق فرمود این بود که آننگ مخالفت آغاز شد و اعصاب مخالفین تحریک گردید و از آنجا که اختلاف در حریم کتاب الهی و حجت باقیه خدا مقاسدی در جامعه تولید مینمود امیر المؤمنین بمنظور جلوگیری از فساد و اختلاف و حفظ نظام جماعت قرآنرا که جمع آوری نموده و بر وفق مراد الهی موارد لازمه را تفسیر فرموده بود گوشه گذاشت و بقرآن مجموع متداول عمل و رفتار کرد و بی شک و تردید قرآن امیر المؤمنین باقر آن موجود بین مسلمین در کمیت و مقدار تفاوتی نداشت.

و چنانچه گفته شود در قرآن علی، آسانی بوده است در شأن اولیاء دین و آیاتی بوده است در باره منافقین و دشمنان دستبردنی بآنها زده آنها را

ر بوده از قرآن برداشته اند البته پنداری بی جا و سخنی نارو است زیرا از کتاب وحی و حافظین و جا معین قرآن در آنوقت عده بسیاری که بر تمام جزئیات آیات احاطه داشته بودند و مجال دزدی آیات یا تغییر و تبدیل آنها برای احدی فراهم نبود و در عاصمه نبوت عموم مسلمین با ایمان قوی مرافق اوضاع و ناظر جریان امور بوده مخصوصاً نسبت بقرآن که پیوسته شب و روز مشغول درس و بحث و حفظ و ضبط و انتشار و استنساخ آن بودند ممکن نبود یک کلمه را از قرآن کسی کم کند یا بر آن بیفزاید یا قدرت داشته باشد آیات منزل را رد نماید و نپذیرد جز کفار بلکه اساساً از قبول اسلام سر پیچیده است تکاف نمودند که از مورد بحث خارج است

و چنانچه توهم رود بر اینکه در دوران زمام داری خلفا فرصتی بدست امیر المؤمنین نیامد تا قرآن کامل خود را رواج دهد البته در عهد خلافت خود مانعی نداشت پس چگونه قرآن کامل را در گوشه گذاشت و بر حفظ و ترویج قرآن ناقص همت گماشت و حال آنکه آنجناب مستقیماً عهده دار ابلاغ حکم خدا و اجراء حدود و حفظ احکام اسلام بود

در سیره و تاریخ زندگی کانی ائمه معصومین هم که میسریم با آن کوششی که هر کدام در بیان احکام خدا و سنت پیغمبر و رفع و دفع بدعت داشتند از قرآن میراثی مستودع نامی نبرده قرآن موجود را حجت دانسته نسبت نقض و تحریف با آن ندادند و چنانچه آیاتی در پس پرده مستور و مخفی بود موظف بودند آنرا منضم بکتاب نمایند و حکم خدا را ابلاغ فرمایند و چنانچه اظهار شود بیشتر از ائمه هدی در استبداد و حکومت جایزانه زمام داران وقت محدود و محصور بودند و بمقتضای تقیه رفتار می نمودند

این عذر در زمان حضرت ابی عبد الله الحسین منتهی بود زیرا آن بزرگوار مأمور بر جهاد و جان بازی بود؛ و تقیه نداشت و آنچه داشت در ایفاء بعهده و ایفای عهد و نلیج بر شمشیر و اجراء حکم خدا قدا نمود؛ از جان و مال و اهل و عیال و دیار و بار دست برداشت و برضای حق همه را در طبق اخلاص گذاشت با این قدا کفاری چگونگی تصور میشود آیاتی که دشمنان از قرآن برداشته و در قرآن میراثی وی بوده منضم بقرآن نفر مایند و بقرآن نانیس مجاجه نمایند مجا هدی که بمنظور اصلاح امت و رفع ظلم و بدعت ناسر حد جان بازی مبارزه کرد آید در تکمیل قرآن و بر طرف نمودن نقص آن مسامحه و اعمال و درزید؛ حاشا و کلام ذلك ظن الذين كفروا فويل للذين كفروا من النار.

در عهد جعفر بن محمد الصادق عليه السلام نزاع شدید و کشمکش سیاسی بین امراء بنی امیه و زعماء بنی العباس در امر زمامداری و احراز سلطنت در جریان بود در این آیه و در ادب قرصتی مناسب و معتدبت است آنجناب آمد و توانست با استقلال علمی بیست و یک سال تمام بر کرسی درس بنشیند و از بیان معجز نشان خود همگانرا بهره مند فرماید که بگواهی تاریخ همه روزه چندین هزار نفر در مکتب علوم جعفر به تربیت یافته هر شاگردی استاد علوم جهانی گردید و تمام رؤساء علوم و معارف و اساتید فنون و صنایع بی واسطه یا مع الواسطه بدانجناب انتساب دارند این امام با آن مقام و آن اهتمام آید از نقص و تحریف قرآن اطلاعی نداشت؛ یا آیات ر بوده شده را نزد خود پنهان داشت؛ آیا تصور می شود قرآن تمام و کاملی نزد او باشد و بقرآن ناقص تحریف شده قضاوت فرماید و از آیات ر بوده شده نامی برد؛ پیداست که این پندار تا چه حدی

بر خورد و هن آمیز بمقام امام دارد و تاچه اندازه مقام ولایت کلیه ولی امر
الهی را پائین آورده ریست می کند نعوذ بالله من الضلال .
آیات قرآن مجید با اتفاق امت پیغمبر از شیعه و سنی متواتر میباشد و ادعای
تحریف با اقرار به تواتر قرآن مردود و باطل است زیرا منتهی میگرد
بانکار تواتر

حدیث نقلین که با جماع فریقین متواتر و از زبان و منطبق نبوت
شرف صدور یافته صریح است بر اینکه پیغمبر فرمود بعد از من دو گوهر
گرا نماید بین شما مردم است و آن دو یکی کتاب خدا است دیگری
عترت من و ازین دو پیغمبر استند بهم بوده نایب است از هم جدا نشوند و مادام که
باین دو متمسک باشید گمراه نخواهید شد

مضمون این حدیث متواتر قطعی الصدور قرآن را حجت با لغو باقیه
خداوند نشان داده که با امام وقت هدایت هادی خلق خواهند بود و بیست
سندی که سر نهشت جامعه بشریان مربوط و مقدرات عمومی تاروز قیامت
بآن بستگی دارد و بآن در جزای اتصال انعام حجت بر خلایق گردید قطعاً
کامل و رسا میباشد و از هر گونه نقض و مبراه و منزه است چه اگر احتمال
تحریف در چنین سندی برود در خود اعتصام و استناد را نخواهد بود
و شبه تحریف در سندی که پیغمبر آنرا مستند بشر قرار داده واهی و باطل
است .

اخبار بحد استفاضه رسیده است که احادیث مرویه زائد قبول ورد
بر قرآن عرضه ندارند آنچه موافق قرآن است مقبول شمرده و آنچه مخالف
است مطرود و مردود دارند

بدیهی است چنانچه در قرآن که خود میزان تشخیص صحت و سقم اخبار است: هر گاه احتمال تحریف و تغییر برود چگونگی مستند و میز از استنباح درست ارضا درست میباشد.

قرآن کریم از عهد پیغمبر پیوسته مورد عنایت کامل و ضبط شدید در اهتمام تام عموم امت و بزرگواران اهل حل و عقد بوده و با ایمان راسخ در حفظ آن میگویند و در هر عصری هزارها کتاب در تفسیر آیات و خصوصیات آنها از قرآنیات و قیاسات، احکام، لغات، فضائل، حکمات و معشایات، ناسخ و منسوخ، عام خاص، مطلق، مقید، حد، مطلع، مجمل، مبین، موصول، مقطوع، و سایر امور مربوطه تألیف گردیده است و در کتب بسیاری از علماء شماره های آیات کلمات حروف قرآن ضبط شده و هم بر شمارد و در طریقه ها و اقسام آنها و حرکات و تنوینات و اقسام آنها و تشدیدات و مدغمات و کلمات گماشته شده چنانچه در فهرس قدما و متأخرین اسامی کتب و مؤلفین مندرج است که تعداد آنها در این مقام موجب طول کلام است.

برای نمونه مذکور میشود در بین هزاران کتاب که در علوم قرآنیه تدوین گردیده نسبت به علم تجوید و اقسام قرائت که بالنسبه بسایر علوم قرآنیه محدود میباشد صدها بلکه هزارها کتاب تألیف شده، از جمله قصیده معروفه بشا طیبیه است که شیخ ابی عبد ضریر متوفای سال ۵۹۰ در قاهره اقسام قرائت را در یکمیزا رو یکصد و هفتاد و سه بیت بد نظم آورده قریب چهل و چهار شرح بسو طاعلام اسلام بر آن نوشته اند بالین مقایسه هر گاه کسی بخواهد تألیفات بزرگان دین را که در علوم قرآن نوشته اند احصاء نماید از ملیونها کتاب بیشتر خواهد شد.

با این مراقبت و ممارست و شدت عنایت و اتصال ملازمت در تمام اطراف و نواحی و ممالک دور و نزدیک مسلمین و نظارت عامه بر تمام جزئیات قرآن که نقطه های تحتانی و فوقانی موحد و متناسق آن را مورد بحث و مذاکره قرار داده در هر عصری کتابها در باره آنها تألیف گردیده فترت و فاصله ای در هیچ وقت حاصل نگردیده چگونه فرصت و مجالی بدست دشمن افتاده که قرآن را تحریف کند چه دزد زبردستی بوده که از بین این همه پاسبانان الهی آیاتی از قرآن برداشته باشد، روشن است که قائلین به تحریف در گفتار خود تأمل ننموده بر توالی فاسده آن واقف نشده اند و گویا در کلام خود تجدید نظر نمیگردند

وقتی که در تاریخ رجال و راویان اخبار بدقت می نگریم در گوشه و کنار برخی از بهر دیوان و نصاری؛ و کفار مشرکین، می بینیم که بخدعه و تزویر تظاهر با اسلام نموده با دسایس مره وزه خواسته اند احکام دین را مختلط و آذهان مسلمانان را مشوش و مبانی اسلام راست نمایند باین خیال افتادند، دست در اجرا درت نموده، اخباری از زبان پیغمبر و ائمه هدی جعل کنند که از جمله «کعب الاخبار» و هب بن منبیه و معانی عبدالله بن سلام یهودی، ابوهریره دوسی منافق، یونس بن ظبیان، ابو الخطاب یزید ثمالی، بیان بن سمان، ابن سعید شامی و مغیره بن سعید و جمعی دیگر از این قبیل بودند این گروه در کتب رجال و ذرایع و تاریخ بنام وضاع و جمال نامیده شده اند و بسیاری از احادیث موضوعه و جعلیه که علماء اعلام شیعه و سنی آنها را طرد و رد کرده اند منسوب باین گروه میباشند که از جمله اخبار تحریف قرآن است و اغراض گوناگون در وضع و جعل این احادیث

بوده و یکی از هدفهای آنها این بود که نفس و عیب تحریف توراة و انجیل را بر قرآن کریم تحميل بکنند و سند فطمی مسلمین و حجت بالغه الهی را سست و بی اعتبار نمایند.

زعماء دین و رؤساء شرع مبین از صدر نخستین تا قرون بعدی عموماً معتقدند بر اینکه قرآن تحریف نگردیده نه از آن چیزی کم و نه بر آن چیزی افزوده شده است و چون ذکر اسامی علماء اسلام از شیعه و سنی که قائل بدستبرد و تمامیت قرآنند از احصاء و امکان نگارنده خارج است فقط بنام چند نفر از علماء عظیم الشان شیعه تبرک جستہ در ذیل می نگاریم

شیخ افقه ابو سعید صدوق علیه الرحمه در اعتقادات

شیخ اجل الملم مفید غایبه کریمه در فصل الخطاب

سید اجل اعظم علم الهدی در امالی و شافی و طرابلسیات

شیخ الطائفة ابو جعفر طوسی در تفسیر تبیان

شیخ افضل طبرسی در تفسیر مجمع البیان

آیه الله عظمی علامه حلی در تذکره الفقهاء

شیخ کبیر شیخ جعفر در کشف لغطاء

و بسیاری از اکابر محققین مانند محقق کرکی، شیخ بهاء الدین عاملی

محقق بغدادی، فیض دانشانی، قاضی نور الله ششتری، ملا فتح الله کاشانی، محدث

بحرانی، فاضل جواد، کتب و رسائل خود تصریح کرده اند بر معنای فوق

یعنی تمامیت و عدم تحریف قرآن.

اما اگر معنای تحریف آن باشد که آیات را بر غیر معانی حقه خود

تأویل کنند و به میل و هوای نفس تفسیر نمایند چنانچه در کتب ملاحظه اسماعیلی

و بسیاری از متصوفه و زنادقه مانو بدو مرتدین بایده و بهائیه که از پیش هم در کلمات غلاّه دیده میشود باین معنی قرآن را تحریف کرده و میکنند یعنی تأویل و توجیه جاهلانّه مفرضانه برخلاف منطق آیات می نمایند و باین دسیسه مردم غافل و بی اطلاع را گول میزنند و ملحدان و زندیقانی که این چرم را مرتکب شده نظم و ترتیب و هیئت آیات و کلمات قرآن را نتوانستند اند کم و زیاد یا تغییر و تبدیل دهند و تأویلات جاهلانّه ملحدانه آنها نیز مایه خزلان و رسوائی آنها شده است ،

والسلام علینا وعلیکم وعلی

عباد الله الصالحین



۷۵۸۶۱

الف - ۱۱

۱۰
۵

۵۵

۱۰۰